

درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبیٰ نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده تسامح در ادله سنن
موضوع جزئی: ادله - اخبار من بلغ (بررسی نظریه چهارم)
تاریخ: ۲۶ آبان ۱۳۹۴
مصادف با: ۵ صفر ۱۴۳۷
جلسه: ۱۴

﴿الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین﴾

خلاصه جلسه گذشته

نظریه چهارم در دیدگاه اول که امام به آن ملتزم شده است این بود که اخبار من بلغ دلالت بر استحباب و حجیت ندارد بلکه صرفاً اخبار است از ثوابی که بر عمل داده می‌شود تفضلاً و غرض اصلی از این اخبار تحفظ مستحبات است. ایشان این مطلب را با ضمیمه سه مقدمه بیان کردند و وزان اخبار من بلغ را وزان جعاله دانستند که یک حکمی بر عنوان عامی وضع شده مبنی بر اینکه اگر کسی آن را تعقیب کند و آن کار را انجام بدهد جعلی به او داده می‌شود که عبارت است از اجر و ثواب، گفتیم اشکالاتی به این نظریه شده است که باید ببینیم این اشکالات وارد است یا نه. تقریباً چهار اشکال نسبت به این مبنا مطرح است:

اشکال اول

این تفسیر از اخبار من بلغ با ظاهر این اخبار سازگار نیست چون این اخبار دلالت می‌کند بر اینکه کسی که ثوابی به او بالغ بشود و او انجام بدهد این ثواب به او داده می‌شود و اساساً اینکه مسئله اهتمام به سنن و مستحبات مدّ نظر باشد و شارع در صدد باشد این مطلب را بگوید، از این اخبار بدست نمی‌آید.

پاسخ

واقع این است که این اشکال، اشکال سستی است، اتفاقاً ظاهر اخبار من بلغ با این احتمال مطابق است چون در این روایات این چنین آمده است «من بلغه شیء من الثواب فعمله کان له اجر ذلک»، و امام هم همین را می‌گوید ولی آنچه را که امام به عنوان سه مقدمه بیان کرده اند لازم نیست از این اخبار استفاده شود، این مطلب در واقع تبیین جهتی است که این اخبار آن را بیان می‌کند، یعنی اگر این اخبار می‌گویند این ثواب به عامل داده می‌شود به خاطر این است که خواسته اند ترغیب کنند مکلفین را به عمل به مستحبات چون از طرفی داعی بر نقل مستحبات نبوده و از سوی دیگر دید مکلفین «لا ضیر فی ترک المستحبات»، و از طرف سوم مصالح فراوانی در عمل به مستحبات وجود دارد که شارع نخواست این مصالح از مکلفین فوت بشود لذا زمینه و شرایطی را فراهم کرده که به آنها عمل بشود. لذا ادعای اینکه این تفسیر با ظاهر روایات سازگار نیست به نظر می‌رسد تمام نباشد.

اشکال دوم

این بیان شامل واجبات نمی‌شود در حالی که اخبار من بلغ هم شامل واجبات است هم مستحبات، چون اخبار من بلغ در صدد است که بگوید اگر خبر ضعیفی دال بر وجوب یا استحباب به شما رسید و به آن عمل کنید ثوابش شامل حال شما می‌شود، پس منظور از آن خبر ضعیف اعم از خبر دال بر وجوب یا استحباب است، اما این بیان قطعاً واجبات را در بر نمی‌گیرد، چون می‌گوید برای حفظ سنن و مستحبات این اخبار وارد شده است.

پاسخ

این اشکال هم به نظر ما غیر وارد است چون:

اولاً: اصل شمول این اخبار نسبت به واجبات محل بحث است، کما اینکه ما اول بحث هم اشاره کردیم، البته جمع زیادی ملتزم به شمول اخبار من بلغ نسبت به واجبات هستند، یعنی می‌گویند به واسطه اخبار من بلغ حتی خبر ضعیف دال بر وجوب هم حجت می‌شود یا دلالت بر استحباب می‌کند، اما بنظر ما محل بحث است و ما در آینده در تنبیهات مربوط به قاعده تسامح بحث خواهیم کرد از دامنه این اخبار که فقط شامل مستحبات است یا شامل واجبات و مکروهات می‌شود یا نه؟

ثانیاً: مسئله این است که در واجبات نیازی به این کار نیست بر فرض هم این تفسیر را بپذیریم از آنجا که در مورد واجبات داعی بر نقل و عمل به آن بوده لذا نیاز به ترغیب نسبت به آن‌ها نبوده است، یعنی نمیتوان گفت سستی و فتور و ضعف در عمل به واجبات بوده و به این وسیله خواسته اند مثلاً تحریک و ترغیب بکنند مردم را به عمل به واجبات، به عبارت دیگر ما می‌توانیم تکمیل کنیم این تفسیر را به این صورت که آنچه امام(ره) گفته اند فقط مربوط به مستحبات است اما نسبت به واجبات چون به اندازه کافی انگیزه برای عمل به واجبات بوده و داعی هم برای نقل واجبات و محرمان قوی بوده، لذا نیازی نبوده آن را بیان بکنند، لذا اینکه ایشان فرمودند با شمول اخبار نسبت به واجبات منافاتی ندارد. البته این به نوعی با تکلف همراه است و به سادگی نمی‌توان آن را پذیرفت.

اشکال سوم

اساساً ما نحن فیه با جعله تفاوت دارد، اینکه امام فرموده اند وزان این اخبار وزان جعله است که در آن جعل بر رد ضاله قرار داده شده بر ما نحن فیه قابل تطبیق نیست، چون در جعله اجرت بر رد چیزی است که واقعاً وجود دارد و اگر آن ضاله که یک امر واقعی و حقیقی است پیدا شد، اجرتی که برای آن در نظر گرفته شده به آن شخص داده می‌شود، اما در ما نحن فیه این جعل و ثواب و اجر در مقابل چه چیزی قرار داده شده است؟ چون ممکن است اساساً آن چیز واقعی نداشته باشد، به عبارت دیگر این جا یک موضوع قطعی نداریم که بخواهیم این ثواب یا جعل یا اجرت را به ازای آن قرار بدهیم، پس بین ما نحن فیه و آنجا تفاوت وجود دارد، آنجا یک موضوع واقعی است ولی در اینجا

معلوم نیست، ممکن است باشد ممکن است نباشد، چون در این اخبار وارد شده «و إن لم یقله رسول الله» یعنی حتی اگر در واقع هم چیزی نبوده باشد، بنابراین نمی‌توانیم وزان این اخبار را وزان جعاله قرار بدهیم.

پاسخ

این اشکال هم به نظر ناتمام می‌باشد، چون اگر در خود عبارت امام دقت شود معلوم می‌شود اینجا هم جعل و ثواب واقعی قرار داده شده است، ایشان می‌فرمایند: «إنَّ وزانها الوزان الجعالة بمعنى وضع الحكم على العنوان العام، لیتعقبه كل من اراد فكما أن تلك الجعل معلق على رد الضاله فهذا أيضاً جعل متعلقاً على الاتيان بالعمل بعد البلوغ برجاء الثواب»، بر این اساس عنوان «اتیان بالعمل» همان چیزی است که می‌تواند در عداد و در ردیف رد ضاله قرار بگیرد، ما کاری نداریم به اینکه در اینجا در واقع چیزی وجود دارد یا ندارد، چون بنا نیست که این جعل و ثواب به آن امر و موضوع واقعی داده شود، اینکه امام فرمودند وزان این وزان جعاله است، یعنی یک اجرتی در برابر یک کاری، ثواب در برابر «اتیان بالعمل البالغ علیه الثواب»، پس چطور مستشکل ادعا میکند اینجا نمی‌تواند اخبار من بلغ بر وزان جعاله قرار بگیرد لذا این اشکال هم ناتمام است.

اشکال چهارم

اشکالی که در بین این اشکالات تاحدودی صورت بهتری دارد این است که:

امام (ره) فرموده اند: شارع برای تحفظ بر مستحبات این جعاله را انجام داده و فرموده: «من بلغه شیء من الثواب...»، حال این مکلف که عمل را انجام می‌دهد یا آن را به عنوان استحباب انجام می‌دهد یا بدون آن، اگر به عنوان استحباب انجام دهد این نقض خود فرمایش امام است، چون بنظر ایشان اخبار من بلغ فعل به عمل عنوان مستحب نمی‌دهد، یعنی نمی‌تواند آن را به عنوان مستحب بیاورد چون اساساً طبق این نظر اخبار من بلغ این فعل را مستحب نکرده است، و اگر بدون عنوان استحباب آورده شود در این صورت این تحفظ بر سنن و مستحبات نیست، بلکه مثل سایر افعال می‌باشد که انجام می‌دهد، تحفظ بر مستحب وقتی محقق می‌شود که فعل به عنوان مستحب انجام بشود نه بدون این عنوان، اگر قرار باشد این کار بدون این عنوان انجام بشود، و اصلاً کاری به عنوان و وجه استحباب آن نداشته باشیم، این چگونه می‌خواهد موجب تحفظ بر مستحبات شود؟ اگر این اخبار آمده اند که ما اهتمام به مستحبات داشته باشیم، پس باید عمل ما دارای این وجه و عنوان باشد، انجام عمل بدون این وجه و عنوان کمکی به حفظ مستحبات و سنن نمی‌کند. پس نتیجه اشکال این شد که انجام عمل بوجه الاستحباب و عنوان الاستحباب نمی‌تواند منظور امام باشد، و انجام عمل بدون عنوان الاستحباب هیچ کمکی به حفظ مستحبات و سنن که اساس فرمایش ایشان است نمی‌کند.

سوال:

استاد: امام فرموده اند برای تحفظ بر مستحبات، این اخبار وارد شده یعنی مستحباتی در شرع وجود دارد که ممکن است شما از آن خبر نداشته باشید چون داعی بر نقل آنها نبوده، یا اگر هم خبر داشته باشید چندان اهمیتی به عمل به آن از

خودتان نشان ندهید، ولی برای اینکه انگیزه و داعی برای حفظ مستحبات ایجاد شود و مکلفین ترغیب به انجام مستحبات شوند، یک بیان عمومی صادر شده که هر خبری به شما رسید ولو ضعیف که ثوابی در آن خبر بر عملی ذکر شد، چنانچه آن عمل را انجام دهید آن ثواب به شما داده می‌شود، و خواسته‌اند نتیجه بگیرند که پس ما می‌توانیم بگوییم این اخبار کمک می‌کنند به حفظ مستحبات و رواج آن بین مکلفین.

اشکال مستشکل این است که می‌گوید: این مکلف که می‌خواهد این کار را انجام بدهد از دو حال خارج نیست، یا بدون عنوان الاستحباب انجام میدهد یا با عنوان استحباب، اگر گفته شود به عنوان استحباب و با این وجه انجام می‌دهد، به این معناست که وقتی می‌خواهد این کار را انجام بدهد قصد می‌کند که این مستحب است، وقتی یک مستحبی بعنوانه توسط مکلفین عمل شود این در واقع یعنی حفظ مستحب.

اشکال این است که طبق نظر امام اساساً نمی‌توان این عمل را به عنوان استحباب انجام داد، چون به عقیده امام این عمل عنوان استحباب پیدا نمی‌کند، و اگر این عمل را بدون هذا الوجه و بدون عنوان الاستحباب انجام دهد «مالفرق بین هذا الفعل و سایر الافعال، و کیف یمكن أن یساعد بهذا العمل علی التحفظ للمستحبات»، این عملی که انجام داده عملی است که مستحب نیست آن‌گاه چگونه ممکن است با اتیان به عمل غیر مستحب، مستحبات را حفظ کرد.

پاسخ

بنظر می‌رسد این اشکال هم وارد نیست، قطعاً منظور امام این نیست که عمل به عنوان استحباب انجام شود، بلکه همانطور که خود مستشکل هم گفته، مقصود این است که فعل را به عنوان خودش انجام دهد، اما اینکه چگونه انجام یک عمل بدون عنوان استحباب می‌تواند باعث تحفظ بر سنن و مستحبات شود از این جهت است که:

بطور کلی وقتی این اخبار دلالت می‌کند بر اینکه اگر خبر ضعیفی بر ثواب دلالت کند و شما یقین ندارید مستحب است، معذک ثواب به شما داده می‌شود، حتماً در جایی که استحباب برای شما ثابت شده باشد و خبر، خبر ضعیف نباشد، ثواب به طریق اولی برای شما منظور خواهد شد، به عبارت صحیح‌تر و دقیق‌تر هدف شارع این است که مستحبات از مکلفین فوت نشود و لذا به آنها اطلاع می‌دهد که اگر عملی را انجام دهید که بر آن ثوابی ذکر شده هرچند آن عمل در واقع مستحب نباشد و امر نداشته باشد، خداوند ثواب آن عمل را به شما می‌دهد تفضلاً و اساساً معنای تفضل همین است که عمل را بدون عنوان استحباب انجام داده، بدون اینکه از او خواسته شده باشد و امر و طلبی در کار باشد، و وجه و عنوان استحباب پیدا کرده باشد ولی ثواب به او داده می‌شود، این کمک می‌کند به حفظ مستحبات، باعث می‌شود اعمال مستحبی از او فوت نشود، پس عملی را که انجام داده هرچند درواقع مستحب بوده اما او به عنوان مستحب انجام نداده است، ولی تفضلاً این ثواب به او داده می‌شود، پس در صورتی که عمل را بدون عنوان استحباب انجام بدهد از دو حالت خارج نیست: یا این عمل فی الواقع مستحب است یا مستحب نیست:

۱. اگر مستحب باشد، یعنی پیغمبر ﷺ فرموده باشد، هر چند این شخص عمل را به عنوان مستحب نیاورده و تا این عنوان نباشد ثواب داده نمی‌شود اما تفضلاً خداوند متعال ثواب آن عمل مستحب را به او می‌دهد

۲. اگر این عمل فی الواقع مستحب نباشد و بدون عنوان استحباب هم اتیان شده باشد، معنای آن این است که استحباب ندارد اما مع ذلک ثواب تفضلاً به او داده می‌شود.

آن‌گاه کسی که روش و طریقه او در مواجهه با ثوابهایی که به او می‌رسد این باشد که ثواب را برای خودش تحصیل کند، این موجب می‌شود که اهتمام او نسبت به مستحبات بالا برود، موجب می‌شود هر جا ثوابی نقل شد انجام بدهد تا به این ثواب برسد، بنابر این جایی برای این اشکال باقی نمی‌ماند.

سوال:

شما فرمودید اتیان به این عمل مصداق تحفظ بر سنت و مستحب نیست. ما نمی‌خواهیم اتیان به این عمل خودش عمل به مستحب باشد، فرق است بین اینکه این عمل مصداق عمل به مستحب باشد یا این اعمال و این کارها به نوعی موجب تحفظ بر مستحبات شود. ادعا این است که این اخبار ایجاد انگیزه و رغبت می‌کند برای اهتمام به مستحبات، قرار نیست خودش مستحب باشد تا ما بگوییم که این چگونه می‌تواند تحفظ بر مستحب باشد. اگر بنا و روش این باشد که کسی به آنچه از ثواب به او می‌رسد عمل کند، این قهراً یک دایره وسیعی دارد که در نتیجه این کار مستحبات حفظ خواهند شد هر چند این شخص به عنوان مستحب آن را انجام نداده باشد.

سوال: مستشکل دقیقاً به کدام موضع از سخن امام اشکال دارد.

استاد: دقیقاً می‌خواهد بگوید نتیجه اشکال دارد. مقدماتی که نقل شد سه مقدمه بود:

مقدمه اول: اینکه مستحبات زیادی در شرع وارد شده و مصالح عظیمه‌ای در آن است، مستشکل با این کاری ندارد و می‌گوید این درست است.

مقدمه دوم: شارع برای مستحبات اهمیت قائل است، و علاقه مند است این مستحبات حفظ شوند و مصالحی که در این مستحبات وجود دارد از مردم فوت نشود. این هم به نظر مستشکل درست است و مشکلی ندارد.

مقدمه سوم: در مستحبات داعی بر نقل نبوده و مردم خیلی اهتمام نداشته‌اند این هم به نظر مستشکل درست است، که مردم نسبت به مستحبات اهتمام لازم را ندارند و داعی لازم برای نقل آن همانطور که در واجبات و محرمات بوده، وجود نداشته است.

نتیجه‌ای که ایشان از این مقدمات گرفتند این بود که شارع برای ایجاد انگیزه و ترغیب مردم به مستحبات و برای اینکه مکلفین از مزایا و مصالح موجود در مستحبات محروم نشوند تفضل کرده و فرموده هرکسی، روایتی، هر چند ضعیف برای او قائم شود که فلان عمل، فلان ثواب را دارد و او انجام بدهد، ثواب آن عمل تفضلاً به او داده می‌شود.

مستشکل در این نتیجه اشکال می‌کند و می‌گوید: این‌ها همه درست است اما اینجا عمل ما چگونه می‌تواند موجب تحفظ بر مستحب شود، چون عملی که ما انجام می‌دهیم با عنوان مستحب که نیست، بدون عنوان مستحب هم اگر باشد چه ربطی به مستحبات دارد که بخواهد این کار سبب تحفظ بر مستحبات باشد.

سوال:

استاد: مستشکل در حقیقت می‌خواهد بگوید این روایت کمکی به آن مقصودی که شما برای آن اخبار ذکر می‌کنید نمی‌کند، یعنی می‌خواهد بگوید عمل مکلفین به آنچه که توسط خبر ضعیف بیان می‌شود از آنجا که بدون عنوان استحباب است، اصلاً هیچ ارتباطی با مقوله مستحبات ندارد، عمل به مستحبات یعنی این که کاری را ما به عنوان استحباب انجام بدهیم، ولی انجام آن عمل بدون این عنوان چه ربطی به تحفظ بر مستحبات دارد؟ پاسخ ما هم این بود که اساساً قرار نیست که با خود این عمل مستحبی تحفظ بر مستحبات شود بلکه غرض این است که مردم به این شکل ترغیب به عمل به مستحبات شود. یعنی موجب شود که هر جا ثوابی برایشان نقل شد آن عمل را انجام بدهند و به آن دودلی‌ها و تردیدهایی که ممکن است حتی در مورد خود مستحبات، در ذهنشان پدیدار شود پایان بدهند.

لذا به نظر می‌رسد آنچه امام فرموده اند مصون از چهار اشکالی است که ذکر شد.

این چهار نظریه جمع بندی در دیدگاه اول می‌گنجید، یعنی تفسیر اخبار من بلغ به نحوی که مراد جدی با مدلول مطابقی هماهنگ باشد، یعنی مراد جدی چیزی جز مدلول مطابقی نباشد.

بحث جلسه آینده

در کنار این دیدگاه یک دیدگاه کلی دیگری وجود دارد که مقصود از این اخبار مدلول مطابقی نیست، یعنی مراد جدی اخبار نیست بلکه انشاء است و لذا مدلول غیر مطابقی می‌شود.

در این دیدگاه هم چند نظریه وجود دارد که باید بررسی شود، حداقل سه دیدگاه وجود دارد، دیدگاه مرحوم آخوند و محقق اصفهانی که در یک نظریه می‌گنجند با یک تفاوتی که باهم دارند و نظر محقق نائینی و نظر آقای خوئی.

«والحمد لله رب العالمین»